

شناسایی ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر بر مبنای رویکرد قابلیت‌ها

مسعود مرادی¹ - نرگس ایمانی‌پور*² - زهرا آراستی³ - رضا محمد کاظمی⁴

1. دانشجوی دکتری کارآفرینی دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

2. دانشیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

3. دانشیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

4. دانشیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 1397/4/20

تاریخ پذیرش: 1397/6/10

چکیده

با وجود توافق نسبی در مورد تعاریف ارائه‌شده از قصد، به نظر می‌رسد که در مورد ابعاد شکل‌دهنده قصد در بین صاحب‌نظران اجماعی حاصل نشده است و محققان ابعاد متفاوتی را به عنوان عوامل شکل‌دهنده قصد معرفی کرده‌اند. نظر به این که انتظار می‌رود فرایند شکل‌گیری قصد در افراد فقیر متفاوت از افراد غیرفقیر باشد، در این مطالعه کیفی تلاش شد با استفاده از چارچوب رویکرد قابلیت‌ها، به مطالعه ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر پرداخته شود. در این مطالعه کیفی، 17 نفر از افرادی که سابقه زندگی در شرایط فقر را داشته و در زمان مطالعه مشغول فعالیت کارآفرینانه بودند شناسایی شده و با استفاده از مصاحبه‌های واقع‌محور ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینی در آنان شناسایی شد. نتایج این مطالعه نشان داد که علاوه بر عوامل شناخته‌شده اثرگذار بر شکل‌گیری قصد، مجموعه‌ای دیگر از عوامل نیز وجود دارند که مختص جوامع فقیر بوده و در شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر اثرگذار هستند که از میان آن‌ها می‌توان به ثروت‌جویی و تقدس ثروت، اعتقاد به حمایت ماورایی، ترس از آینده، مضیقه مالی، و ناسازگاری با فرهنگ غالب اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: ابعاد تحولی، جامعه فقیر، رویکرد قابلیت‌ها، قصد کارآفرینانه، کارآفرینی

مقدمه

با وجود تلاش فزاینده و پر شتاب ملت‌های مختلف برای رسیدن به توسعه اقتصادی، مسأله فقر هم‌چنان به شکل چشم‌گیری گریبانگیر جوامع مختلف است. به واسطه شکست و یا ضعف برنامه‌های سنتی فقرزدایی، کارآفرینی به‌عنوان راهبردی برای کاهش فقر در سطح بین‌المللی مورد توجه روزافزون قرار گرفته است (Alvarez & Barney, 2014). اگرچه از دیدگاه نظری، ورود افراد فقیر به حوزه کارآفرینی می‌تواند باعث بهبود رفاه آنان شود، اما در عمل فرایند ورود به عرصه کارآفرینی، فرایندی پیچیده بوده و لازمه تحقق آن پیش‌شرط‌های اولیه است (Alvarez & Barney, 2014). یکی از پیش‌شرط‌های اساسی برای هر اقدامی، به‌ویژه برای شروع یک کسب‌وکار و کارآفرینی، شکل‌گیری قصد می‌باشد.

قصد عبارت است از مجموعه‌ای از عوامل انگیزاننده که یک رفتار خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهند. قصد تعیین‌کننده میزان تلاش فرد و میزان تمایل او برای تحقق یک رفتار خاص می‌باشد (Ajzen, 1991). مروری بر ادبیات موجود در حوزه قصد بیانگر این است که تاکنون ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینانه به شکل اختصاصی در جوامع فقیر بررسی نشده است. بر همین اساس این مطالعه برای اولین بار تلاش خواهد کرد تا با کمک رویکرد قابلیت‌ها¹، به‌عنوان یکی از نظریه‌های شناخته‌شده در حوزه فقرزدایی و توانمندسازی، به شناسایی ابعاد شکل‌گیری قصد در افراد فقیر جامعه پردازد. در بیان ضرورت این پژوهش باید گفت که شناخت پیش‌زمینه‌های قصد، درک ما را از بروز رفتار افزایش می‌دهد و بررسی عوامل تعیین‌کننده قصد کارآفرینانه در افراد فقیر به ما کمک می‌کند به بینش قابل‌توجهی درباره دلایل شکل‌گیری و یا عدم شکل‌گیری قصد در آنان دست بیابیم. علاوه بر این، از آن‌جاکه تاکنون مدلی اختصاصی برای بررسی ابعاد قصد کارآفرینانه در جوامع فقیر ارائه نشده، مدل نهایی ارائه شده در این پژوهش می‌تواند به‌عنوان مدلی بدیع، در تحلیل موضوع‌های مرتبط با قصد در افراد فقیر به کار گرفته شود. هم‌چنین، نتایج تحقیق در این حوزه می‌تواند یافته‌ها و نگرش‌های جدیدی را ایجاد کرده و به پر کردن شکاف دانشی موجود کمک کند. بر این

اساس، هدف این مطالعه با هدف شناسایی ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر انجام شد.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بر اساس تعریف‌های موجود، قصد به‌عنوان یک حالت ذهنی هدایت‌کننده تمایل فرد به سمت یک مقصود یا مسیر مشخص به‌منظور دستیابی به هدفی معین است (Schwarz, Wdowiak, Almer-Jarz, & Breiteneker, 2009). قصد به عوامل انگیزشی اثرگذار بر یک رفتار معین و بر تلاش فرد به‌منظور بروز رفتار دلالت دارد (Shook & Bratianu, 2010). در تعریفی دیگر، قصد به‌عنوان تمایل و تعهد درونی فرد برای رسیدن به یک هدف خاص تعریف شده است (Fitzsimmons & Douglas, 2011). محققان دیگر نیز قصد را به شکل ترکیبی از تمایل و اراده (Van Gelderen, Kautonen, & Fink, 2015)، اشتیاق برای تحقق یک هدف و پیش‌نیاز اقدام (Wang, 2010) معرفی کرده‌اند. در مطالعه‌های پیشین، عوامل متفاوتی به‌عنوان عوامل پیش‌زمینه قصد معرفی شده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تمایلی به تغییر، مشارکت اجتماعی، استقلال‌طلبی، آشنایی با نحوه انجام کار، وضعیت شغلی کنونی (Davidsson, 1995)؛ مطلوبیت درک شده، امکان‌پذیری درک شده، ارتباط نزدیک با کارآفرینان، کسب تأیید از دیگران (Liñán & Santos, 2007)؛ سن، جنسیت، سابقه استخدام قبلی، هنجارهای اجتماعی (Shook & Bratianu, 2010)؛ نگرش، داشتن مدل‌های نقش در بین والدین، و سابقه کار در شرکت‌های کوچک تازه تأسیس (Zapkau, Schwens, Steinmetz, & Kabst, 2015). باین وجود، هیچ‌یک از مطالعه‌های پیشین، به‌شکل مستقیم ابعاد شکل‌گیری قصد در افراد فقیر را تعیین نکرده‌اند.

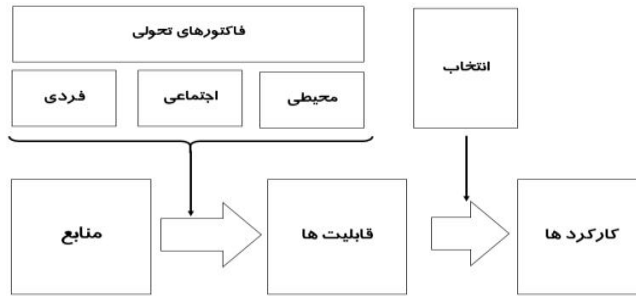
شواهد نشان می‌دهد که قصد و رفتار کارآفرینانه افراد متأثر از محیط پیرامون آن‌هاست، اما به‌نظر می‌رسد که در بیشتر مطالعه‌های کارآفرینی از نقش عامل محیطی غفلت شده است (کریمی، 1394). مروری بر ادبیات حوزه فقر نشان‌دهنده تفاوت‌هایی میان فقرا و افراد غیر فقیر است؛ به‌طور مثال، مطالعه‌های پیشین به تفاوت‌های گروه‌های فقیر و غنی از نظر مسائل فرهنگی (Lewis, 1971)، واکنش به عوامل بیرونی (Oorschot & Halman, 2000)، الگوهای رفتاری و

ارزشی (Waxman, 1977)، مدل‌های ذهنی (Grondona, 2000)، عملکردهای شناختی و ظرفیت شناختی (Mani et al., 2013) اشاره کرده‌اند. هوسلیتز اعتقاد دارد که برخلاف جوامع مرفه، احتمال بروز رفتار کارآفرینانه در جوامع فقیرتر بسیار کم‌تر است چرا که افراد فقیر با محدودیت‌های بیشتر روبه‌رو بوده و آزادی عمل کم‌تری دارند (Hoselitz, 1952). هم‌چنین، نظریه‌پردازانی که مبحث به حاشیه رانده شدن را مطالعه کرده‌اند، بر این عقیده هستند که افراد به حاشیه رانده شده، ویژگی‌ها و انگیزه‌های متفاوتی را از خود نشان می‌دهند که باعث تفاوت آن‌ها از گروه‌های مرفه‌تر جامعه می‌شود (Stanworth & Curran, 1976; Young, 1999). با این وجود شواهد متعددی وجود دارد که افراد فقیر حتی در بدترین شرایط نیز تمایلات کارآفرینانه از خود نشان می‌دهند و دست به اقدام می‌زنند، پس نیاز است که عوامل اثرگذار بر بروز چنین رفتارهایی شناسایی شوند.

از طرف دیگر، مرور مطالعه‌های انجام شده در حوزه قصد نیز نشان‌دهنده وجود تفاوت‌هایی در شکل‌گیری قصد در جوامع مختلف است، از جمله تفاوت از نظر عوامل اجتماعی و فرهنگی مختص هر منطقه (Choo & Wong, 2006)، تفاوت‌های جوامع از نظر سرمایه اجتماعی (Hindle, 2007; Liñán & Santos, 2007; Klyver, & Jennings, 2009)، تفاوت در ظرفیت شناختی و دانشی (Hattab, 2014)، تفاوت در هنجارهای رفتاری جوامع (Ferreira et al., 2012)، و قومیت (کردناییج و همکاران، 1393).

قصد کارآفرینانه را می‌توان با استفاده از مدل‌ها و رویکردهای مختلف بررسی کرد، مانند مدل رویداد کارآفرینانه (Shapiro & Sokol, 1982)، نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (Ajzen, 1991)، مدل جهت‌گیری نگرش کارآفرینانه (Robinson, Stimpson, Huefner, & Hunt, 1991)، مدل توانایی کارآفرینانه (Krueger & Carsrud, 1993)، و مدل دیویدسون (Davidsson, 1995). اگرچه این مدل‌ها امروزه در بین محققان کارآفرینی مقبولیت بسیار بالایی دارند، ایرادی که می‌توان بر آن‌ها وارد کرد این است که مدل‌های یاد شده به شکل عمومی و برای کلیه جوامع، فارغ از تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی هر جامعه ارائه شده است. بنابراین در این مطالعه تلاش شد با بهره‌گیری از رویکرد قابلیت‌ها، به‌عنوان یک رویکرد شناخته شده در حوزه

مطالعه‌های فقر و توانمندسازی، به شناسایی و مدل‌سازی ابعاد شکل‌گیری قصد در افراد فقیر پرداخت. شکل (1) مدل مفهومی رویکرد قابلیت‌ها را نشان می‌دهد.



شکل 1. مدل مفهومی رویکرد قابلیت‌ها (Sen, 1993)

رویکرد قابلیت‌ها برای اولین بار توسط آمارتیا سن (Sen, 1993) مطرح شد. در این رویکرد منظور از قابلیت¹، توانایی و تمایل و آزادی فرد برای دستیابی به کارکرد² موردنظر می‌باشد. قابلیت آن چیزی است که افراد می‌توانند آزادانه انجام دهند و قصد انجام آن‌را دارند. بر اساس این تعریف، اگر کارآفرینی را به‌عنوان یک کارکرد و یک سبک زندگی مطلوب در نظر گرفته شود (Gries & Naudé, 2011)، می‌توان قصد کارآفرینی را به‌عنوان قابلیتی برای بروز کارکردی جدید (در اینجا کارآفرینی) تعریف کرد. در مدل یادشده، عوامل تحولی میزان توانایی و یا آزادی یک فرد برای تبدیل منابع به قابلیت‌ها و کارکردها را مشخص می‌کند. منابع نیز مجموعه‌ای از آیتم‌های موجود است که در ترکیب و تحت تأثیر عوامل تحولی، شکل‌دهنده قابلیت هستند (Sen, 1993). بر همین اساس، اگر قصد را یک قابلیت در نظر بگیریم، می‌توان ترکیبی از عوامل تحولی و منابع را به‌عنوان ابعاد شکل‌گیری قصد تعریف کرد.

مطالعه‌های قبلی و مدل‌های متداول قصد، یک مجموعه عوامل را به‌عنوان ابعاد شکل‌گیری قصد ارائه داده‌اند که بسیاری از آن‌ها را می‌توان با استفاده از رویکرد قابلیت‌ها در دل عوامل تحولی و یا منابع جای داد و به‌گونه‌ای به مدل‌های یادشده انسجام بخشید و آن‌ها را برای مطالعه

1 Capability

2 Functioning

قصد افراد در شرایط فقر مناسب ساخت.

روش‌شناسی

این پژوهش یک مطالعه کاربردی بوده که در آن با استفاده از رویکرد کیفی داده‌ها، جمع‌آوری و تحلیل شد. در گام اول مطالعه، ابعاد شکل‌گیری قصد که در مطالعه‌های پیشین بررسی شده بودند شناسایی شد. در گام دوم، با مرور مطالعه‌های حوزه فقر، رویکرد قابلیت‌ها به عنوان مبنایی برای شناسایی ابعاد قصد کارآفرینانه در افراد فقیر انتخاب شد و پروتکل مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته براساس این رویکرد طراحی شد. در گام سوم، با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته واقعه‌محور، داده‌های لازم از مصاحبه‌شوندگان کسب شد. به منظور دستیابی به داده‌های معتبر، مصاحبه‌ها از طریق مراجعه به مطلعان کلیدی¹ انجام شد، که در این مطالعه، شامل کارآفرینان ساکن کرمانشاه می‌شد که خود در شرایط فقر و در مناطق فقیرنشین کرمانشاه زندگی کرده و در همان شرایط قصد کارآفرینی خود را بروز داده‌اند. در مرحله بعدی، با استفاده از رویکرد تحلیل محتوای قراردادی²، و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA V.10 داده‌های گردآوری شده تحلیل شد. در رویکرد تحلیل محتوای قراردادی، محققان بدون در نظر گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته، به بازخوانی اطلاعات گردآوری شده پرداخته، کدها را از بطن جملات استخراج کرده، و با در نظر گرفتن شباهت‌ها و تفاوت‌ها، آن‌ها را در گروه‌های مختلف به شکل مقوله‌های گوناگون دسته‌بندی کردند. این روش این امکان را فراهم ساخت که از طریق بازخوانی چندباره متون مصاحبه، کدها و مقوله‌ها به شکلی مناسب استخراج شوند. در نهایت، محققان به بررسی ارتباط بین مقوله‌ها پرداخته و ارتباطات موجود را در قالب یک مدل ساختاربندی کردند.

شرکت کنندگان مطالعه با روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی از میان افرادی انتخاب شدند که بنا بر اظهارات خود، در زمان شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در شرایط فقر زندگی کرده و با مشکلات مالی روبه‌رو بوده و واجد شرایط فقر نسبی بودند. فقر نسبی به معنای کمبود

1 Key informants

2 conventional content analysis

منابع برای دسترسی به رژیم غذایی، شیوه زندگی، فعالیت‌ها و امکانات رفاهی است که یک فرد یا گروه به مصرف آن‌ها عادت دارند و یا این که در جامعه محل زندگی آن‌ها مصرف این موارد به صورت گسترده مورد تأیید و تشویق است (Townsend, 1985). به منظور اطمینان از انتخاب صحیح افراد واجد شرایط، قبل از شروع مصاحبه از افراد شرکت‌کننده درخواست شد که سؤال‌هایی را در مورد وضعیت مالی خود در هنگام بروز قصد کارآفرینانه پاسخ دهند. پس از کسب اطلاعات درباره سطوح درآمدی و هزینه‌ای فرد، با رجوع به شاخص خط فقر نسبی، که هر ساله توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود، وضعیت فرد تعیین می‌شد. بر همین اساس، تنها افرادی مورد مصاحبه قرار گرفتند که در زمان شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در شرایط فقر نسبی به سر برده و سطوح درآمدی آن‌ها پایین‌تر از خط فقر نسبی قرار می‌گرفت. طبق روش نمونه‌گیری گلوله برفی، در انتهای هر مصاحبه از شرکت‌کننده درخواست می‌شد که افراد دیگری که واجد شرایط مورد نظر بودند را معرفی کنند. فرایند نمونه‌گیری، انجام مصاحبه، و جمع‌آوری داده تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. بنا بر نظر محققان، اشباع نظری در مصاحبه 14 حاصل شد، اما به منظور کسب اطمینان سه مورد مصاحبه دیگر نیز انجام شده و در مجموع 17 فرد مورد مصاحبه قرار گرفتند. به منظور رعایت اصول اخلاقی مطالعه، کلیه مصاحبه‌ها به شکل بی‌نام و صرفاً با استفاده از کدهای عددی اختصاص داده شده به هر فرد پیاده‌سازی شد و در گزارش داده‌ها نیز از بیان نام مصاحبه‌شوندگان خودداری شد. از آن‌جا که این مطالعه یک مطالعه کیفی بود، از روش ارزیابی گوبا و لینکلن¹ (1985) برای کسب اطمینان از روایی و پایایی استفاده شد. بر اساس مبانی روش یادشده، چهار معیار قابلیت اعتبار، انتقال‌پذیری، ثبات، و تأییدپذیری مورد بررسی قرار گرفت. به منظور افزایش اعتبار داده‌ها از راهبردهای مختلفی هم‌چون کنترل یافته‌ها توسط مشارکت‌کنندگان و بازنگری ناظران استفاده شد. به منظور اطمینان از ثبات یافته، از دو تن از پژوهشگران با تجربه در مطالعه‌های کیفی از نوع تحلیل محتوا درخواست شد تا یافته‌های پژوهش را ارزیابی و صحت یافته‌ها را تأیید کنند. به منظور کسب اطمینان از تأییدپذیری، تلاش شد تا تمامی مراحل تحقیق شامل جمع‌آوری داده‌ها، آنالیز و

1 Guba and Lincoln

استنتاج درون مایه‌ها به‌طور کامل شرح داده شود تا سایرین بتوانند در مورد تأیید آن قضاوت کنند. برای افزایش قابلیت انتقال تلاش شد تا مشارکت‌کنندگان از مناطق متفاوت شهر کرمانشاه با حداکثر تنوع از لحاظ وضعیت کسب و کار انتخاب شوند. این تنوع منابع و شرح و ارایه آن‌ها به انتقال‌پذیری یافته‌ها در شرایط دیگر کمک می‌کند.

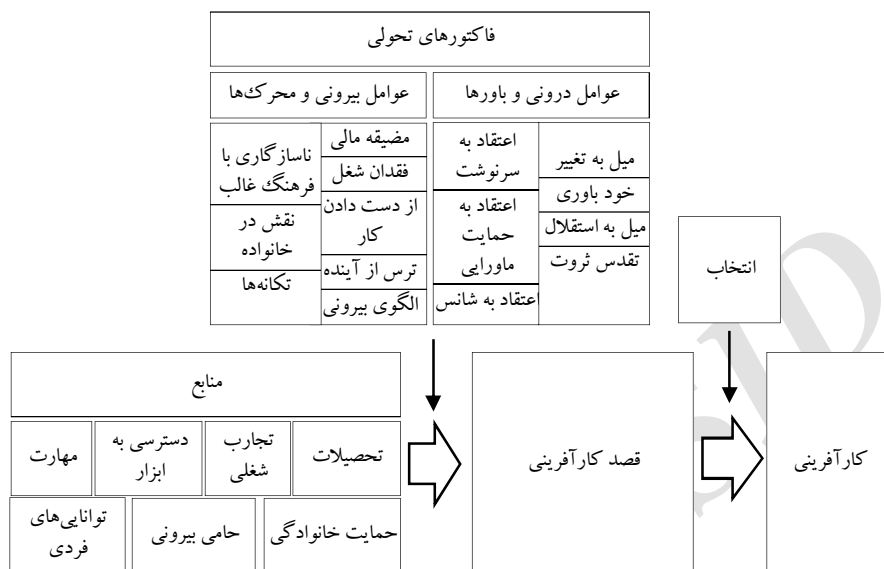
یافته‌ها

توصیف جمعیت‌شناسی

از میان کل شرکت‌کنندگان در مطالعه، سه نفر زن و مابقی مرد بودند. تعداد هفت نفر از مصاحبه‌شوندگان در زمان شکل‌گیری قصد کارآفرینانه مجرد و مابقی متأهل بودند. از نظر میزان تحصیلات در زمان شکل‌گیری قصد کارآفرینانه، تنها چهار نفر از مصاحبه‌شوندگان در زمان شکل‌گیری قصد کارآفرینانه تحصیلات دانشگاهی داشتند؛ علاوه بر این سه نفر به‌طور کامل بیسواد بودند. از کل افراد مورد مصاحبه، چهار نفر تا زمان شکل‌گیری قصد کارآفرینانه هیچ‌گاه سابقه کار برای دیگران و دریافت دستمزد را نداشتند، اما از میان کل شرکت‌کنندگان چهار نفر سابقه خوداشتغالی داشتند.

نتایج تحلیل داده‌ها

به‌منظور دستیابی به هدف مطالعه، با استفاده از روش کدگذاری باز در ابتدا 637 گزاره مفهومی اولیه استخراج شد. سپس در مرحله کدگذاری محوری 23 گزاره مقوله‌ای شناسایی و تعیین شد. در کدگذاری محوری تلاش شد سطحی بالاتر از انتزاع به دست آمده و روابط بین مقوله‌ها و نیز طبقه‌های اصلی و فرعی تعیین شوند. با در نظر گرفتن مدل ارائه‌شده در رویکرد قابلیت‌ها، در مرحله آخر، مقوله‌های استخراج‌شده در دودسته عمده منابع و عوامل تحولی دسته‌بندی شدند و مدل ارائه‌شده در شکل (2) به‌دست آمد.



شکل 2. ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر

مقوله‌های مرتبط با منابع: گزاره‌های مفهومی مرتبط با منابع در هفت مقوله اصلی کدگذاری و دسته‌بندی شدند که در جدول (1) ارائه و در زیر لیست شده‌اند. بعضی از روایت‌های شرکت‌کنندگان در مصاحبه، در انتهای توضیح‌های مربوطه به هر مقوله آمده است.

مهارت: تعداد از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که آن‌ها به دلیل داشتن مهارتی خاص و به‌منظور بهره‌برداری حداکثری از مهارت خود، قصد و انگیزه کارآفرینی را از خود بروز دادند: «دوستانم همیشه من را به خاطر مهارتم در دوخت لباس‌ها تحسین می‌کردند. با خودم گفتم اگر مهارتم را برای کارگاه خودم به کار بگیرم موفق‌تر خواهم بود».

سهولت دسترسی به ابزار: دسترسی کم‌هزینه به ابزارها و وجود ابزارهای رایگان و بلااستفاده در شکل‌گیری قصد گروهی از افراد نقش پررنگی داشته است: «نزدیک خانه ما، سال‌ها یک دستگاه بلوک‌زنی کهنه و زنگ‌زده وجود داشت که ظاهراً مالکی نداشت. بعد از کمی تعمیر، چند روز بعد اولین بلوک‌های سیمانی خودم را درست کردم».

منابع غیرمالی: طیف گسترده از منابع غیرمالی، مانند زمین‌های بایر، باغ و سوله‌های متروک، و حتی یک اتاق نیمه مخروبه به‌عنوان منابع غیرمالی معرفی شدند که می‌توانند قصد

کارآفرینانه را در یک فرد شکل دهند و یا تقویت کنند: «برایمان چیزی باقی نمانده بود الا یک سوله خالی. همان سوله خالی به من انگیزه داد که به جای کارگری، خودم آقا و صاحب کار باشم».

◀ تجارب شغلی قبلی: آموخته‌های به‌دست آمده از تجارب شغلی قبلی هم‌چنین، آشنایی با زنجیره تأمین و نیز سابقه تعامل با همکاران به‌عنوان یک عامل مهم در شکل‌گیری قصد معرفی شد: «بعد از سال‌ها کار برای مردم، می‌دانستم که برای ساخت یک مبل خوب باید چکار کرد. پس مطمئن بودم اگر کارم را شروع کنم مشکل زیادی نخواهم داشت».

◀ حمایت خانوادگی: افرادی که از حمایت و پشتیبانی روحی، عاطفی، و گاه مالی خانواده از خود اطمینان دارند، قصد کارآفرینانه قوی‌تری را در خود شکل می‌دهند: «برای آشنایان و همسایه‌ها قابل قبول نبود یک زن کار کند، آنهم آرایشگری. اما می‌دانستم که برادرهایم پشتیبان من هستند. پس نترسیدم و شروع کردم».

◀ توانایی‌های فردی: افرادی که خود را از لحاظ کاری، دانش، یادگیری، و برقراری ارتباط با دیگران قوی می‌بینند، قصد کارآفرینانه قوی از خود بروز می‌دهند تا از این طریق از توانایی‌های خود بیشتر بهره ببرند.

◀ حامی بیرونی: بعضی از شرکت‌کنندگان پس از تشویق و حمایت به‌وسیله فردی دیگر قصد کارآفرینانه را در خود بروز داده بودند. تشویق به شروع کسب و کار توسط کارفرما، بزرگ خانواده، بزرگ روستا، استاد دانشگاه، و افراد مورد وثوق باعث شکل‌گیری قصد کسب و کار در این افراد شده بود: «من اصلاً قصد نداشتم از کار برای [صاحب کار قبلی] دست بکشم. اما او خودش آن تکه زمین را به من داد و تشویق کرد جداگانه کار کنم».

◀ تحصیلات: به گفته شرکت‌کنندگان با تحصیلات دانشگاهی و کم‌تر، از آن‌جاکه آن‌ها به‌واسطه فقر مالی، مصائب بیشتری را برای تحصیل علم تحمل کرده بودند، در نتیجه قصد قوی‌تری برای بهره‌برداری از تحصیلات خود از طریق کارآفرینی داشتند: «این همه سال مادرم کارگری کرده بود تا من درس بخوانم. می‌خواستم طوری جبران کنم که دیگر نیاز نباشد برای دیگران کار کند».

جدول 1. مقوله‌های مرتبط با منابع، نمونه کدهای استخراج‌شده، منبع کد، و دفعات تکرار

| مقوله فراگیر | نمونه کد |
|------------------|---|
| مهارت | داشتن مهارت منحصربه‌فرد عامل انگیزش |
| | سعی در ایجاد تمایز با تکیه بر مهارت فردی |
| | اشتیاق به پیشرفت با تکیه بر مهارت خاص |
| دسترسی به ابزار | فراهم بودن ابزارهای سنتی و میل به بهره‌برداری از آنها |
| | دسترسی به ابزارهای بلااستفاده و رایگان |
| | دسترسی راحت، کم‌هزینه و یا رایگان به ابزارهای تولید |
| منابع غیرمالی | وجود زمین‌های بلااستفاده با توانایی بهره‌برداری |
| | آشنایی و دسترسی به نیروی انسانی ارزان‌قیمت |
| تجارب شغلی قبلی | یادگیری فنون کسب و کار طی فعالیت‌های شغلی قبلی |
| | آشنایی با زنجیره‌های تأمین و فروش در شغل قبلی |
| | یادگیری از همکاران و توسعه قابلیت‌های فردی |
| حمایت خانوادگی | اطمینان به پشتیبانی همیشگی اعضای خانواده |
| | تشویق به شروع کسب و کار فردی توسط خانواده |
| | انگیزش و تحریک به کسب استقلال فردی توسط خانواده |
| توانایی‌های فردی | توانایی در یادگیری سریع |
| | توانایی در برقراری و حفظ ارتباط با دیگران |
| | ریسک‌پذیری بالا و شجاعت در روبه‌رویی با خطرات |
| حامی بیرونی | تشویق به شروع کسب و کار فردی توسط کارفرمای قبلی |
| | میل به بهره‌برداری از طرح‌های حمایتی دولت |
| | تشویق به شروع کسب و کار توسط افراد چهره‌های مقبول |
| تحصیلات | تلاش در جهت بهره‌برداری حداکثری از تحصیلات |
| | آشنایی با فرصت‌های کسب و کار در حین تحصیل |
| | بهره‌گیری از سواد حداقلی برای کسب برتری |

مقوله‌های مرتبط با عوامل تحولی: گزاره‌های مرتبط با عوامل تحولی به دو زیرگروه اصلی

(1) عوامل درونی و باورها، و (2) عوامل بیرونی و محرک‌ها تقسیم‌بندی شدند و 15 مقوله اصلی شناسایی شد.

مقوله‌های مرتبط با عوامل تحولی (عوامل درونی و باورها): در دسته عوامل درونی و

باورها، هفت مقوله اصلی شناسایی شد که در جدول (2) ارائه و در زیر لیست شده‌اند.

◀ میل به تغییر: میل به تغییر در وضعیت اقتصادی و رسیدن به طبقات اقتصادی بالاتر، میل به تغییر در روش زندگی، میل به تغییر در خوراک روزانه و یا میل به پوشیدن نوع متفاوتی از پوشاک، از عوامل مهم شکل‌گیری قصد کارآفرینانه به‌شمار می‌رود: «شاید خنده‌دار به نظر

برسد، اما من به خاطر بوی غذای خانه‌هایی که در آن کارگری می‌کردم مستقل شدم. دوست داشتم من هم غذاهای خوب بخورم».

◀ خودباوری: افرادی که به توانایی‌ها، قابلیت‌ها، و استعدادهای خود آگاه بوده و ایمان دارند نگرش مثبتی نسبت به خود پیدا می‌کنند و این نگرش مثبت آن‌ها را تشویق به شکوفایی استعدادهای فردی‌شان می‌کند: «برایم مهم نبود دیپلم دارم. می‌دانستم از خیلی تحصیل کرده‌ها با استعدادترم و می‌خواستم همین را ثابت کنم».

◀ میل به استقلال کاری و فردی: افراد شرکت‌کننده در مطالعه، لازمه شکل‌گیری قصد کارآفرینانه را وجود میل به استقلال کاری و فردی می‌دانستند: «خیلی از همکاران قبلی‌ام حالا برای من کار می‌کنند و هم‌چنان نظافتچی هستند. به نظر من آن‌ها تمایل و انگیزه‌ای برای پیشرفت و استقلال ندارند، اما من داشتم».

◀ ثروت جویی و تقدس ثروت: یافته‌های مطالعه نشان‌دهنده ارتباط قوی بین ثروت جویی افراد و شکل‌گیری قصد کارآفرینانه بود. افراد مورد مصاحبه، با تجلیل جایگاه ثروتمندان، بر نقش پررنگ ثروت در کسب خوشبختی و رفاه تأکید داشتند: «ثروت و پول از نظر من خیلی زیبا و عزیز هستند. من عاشق دیدن چک پول بودم. آنرا می‌بوسیدم. می‌خواستم کیفی پر از چک پول داشته باشم».

◀ اعتقاد به سرنوشت: تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که در جوامع فقیر، افراد عموماً خود را محکوم به یک سرنوشت از پیش مقدر می‌دانند. اما در میان آن‌ها، افرادی که سرنوشتی متفاوت را برای خود تصور می‌کنند به احتمال بیشتری قصد کارآفرینانه را در خود بروز می‌دهند: «آن‌ها [پدر و اطرافیان] گناهی نداشتند چرا که دست سرنوشت آن‌ها را به آن وضعیت [فقر] کشانده بود. اما همیشه حس می‌کردم سرنوشت من با بقیه فرق دارد و همین به من انگیزی می‌داد که بیشتر تلاش کنم».

◀ اعتقاد به حمایت ماورایی: تعدادی از افراد معتقد بودند که شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در آنان یک عامل فردی محض نبوده بلکه به واسطه الطاف الهی و کمک نیروهای ماورایی

حاصل شده است: «دعای مادرم، کمک خدا، و اعتقاداتم من را به سمت این کار کشاند و باعث شد با این همه زحمت به اینجا برسم و گرنه الان محتاج دیگران بودم».

اعتقاد به شانس: بنابر گفته‌های گروهی از شرکت‌کنندگان ارتباط قوی بین شانس و موفقیت وجود دارد که با تکیه بر این ارتباط، آن‌ها قصد کارآفرینانه را در خود شکل داده و به دنبال فعالیت‌های مخاطره‌آمیز رفته‌اند: «برادرم بد شانس بود و موفق نشد. اما می‌دانستم که همیشه خوش شانس هستم، پس نترسیدم و اولین سری ماهی را در حوضچه‌ای که خودم ساخته بودم پرورش دادم».

جدول 2. مقوله‌های مرتبط با عوامل تحولی درونی، نمونه کدهای استخراج شده

| مقوله فراگیر | نمونه کد |
|--------------------------------|--|
| میل به تغییر | میل به تغییر در وضعیت اقتصادی |
| | میل به تغییر در روش زندگی |
| | میل به کسب رفاه |
| خودباوری | ایمان به توانایی‌های فردی |
| | تمایل به شکوفایی استعدادهای نهان |
| | تمایل به جدایی از خانواده |
| میل به استقلال کاری و فردی | تمایل به استقلال کاری و خوداشتغالی |
| | تمایل به رهایی از وابستگی‌های مالی |
| | میل به کسب ثروت فراوان و همیشگی |
| ثروت‌جویی و تقدس ثروت | اعتقاد به نقش پررنگ ثروت در خوشبختی |
| | تحسین ثروتمندان و صاحبان کسب‌وکار |
| | اعتقاد به داشتن سرنوشتی متفاوت از دیگر افراد |
| اعتقاد به سرنوشت (تقدیر) | اطمینان به توانایی‌های فردی جهت مبارزه با سرنوشت از پیش مقدر |
| | ساده‌انگاری خطرات پیش رو با تکیه بر تقدیر |
| | اعتقاد به حمایت ماورایی همیشگی جهت پیروزی |
| اعتقاد به حمایت الهی (ماورایی) | تکیه بر اعتقادات جهت مبارزه با فقر |
| | اعتقاد به افزایش برکت در کارهای پر مشقت |
| | اعتقاد به خوش‌شانس بودن |
| اعتقاد به شانس | اتصال موفقیت‌های قبلی به شانس خوب |
| | اعتقاد به ارتباط تنگاتنگ بین شانس و موفقیت |

مقوله‌های مرتبط با عوامل تحولی (عوامل بیرونی و محرک‌ها): از میان کدهای دسته‌بندی

شده در زیر عنوان عوامل تحولی، هشت مقوله مرتبط با عوامل بیرونی و محرک‌ها شناسایی شد که در جدول (3) ارائه و در زیر لیست شده‌اند.

◀ مضيقه مالی: به‌ویژه زمانی که رفاه فردی را به‌خطر بیاندازد و تأمین نیازهای خانواده را دچار مشکل کند می‌تواند فرد را به سمت شکل‌گیری قصد کارآفرینانه هدایت کند: «می‌دانستم که با صد سال کارگری نمی‌توانم قرض‌های پدرم را صاف کنم. فشار طلبکارها و ناراحتی مادر و برادر کوچکم را هم نمی‌توانستم تحمل کنم. تنها چاره‌ام همین بود [راه‌اندازی کسب‌وکار فردی]».

◀ فقدان فرصت شغلی: نبود فرصت‌های شغلی مناسب برای افراد فقیر که عموماً با مشکلاتی مانند کمبود سواد یا بی‌سوادی روبه‌رو هستند و نیز برای زنان که در جوامع سنتی با محدودیت‌های بیشتری مواجه‌اند می‌تواند آن‌ها را به سمت خوداشتغالی و فعالیت‌های کارآفرینانه بکشاند.

◀ اخراج از کار: به گفته تعدادی از شرکت‌کننده‌های در این مطالعه، بعد از تجربه اخراج از یک کار، فرد تا حدود زیادی ترغیب می‌شود که فعالیت و کسب‌وکار شخصی خود را راه بیاندازد: «بعد از آن همه سال خدمت صادقانه اخراج شدم [...] دیگر تحمل کارگری برای مردم را نداشتم».

◀ ترس از آینده: در افراد فقیری که از وضعیت کنونی خود ناخرسند هستند و دورنمای مناسبی برای شرایط موجود متصور نیستند به‌طور عمده ترسی از آینده شکل می‌گیرد که فرد را ترغیب می‌کند دست به مخاطراتی زده و کار مستقل خود را آغاز کند: «روزبه‌روز ترسم از آینده بیشتر می‌شد. همه چیز گران می‌شد و ما روزبه‌روز فقیرتر. به خاطر بی‌پولی می‌ترسیدم بچه‌دار شوم».

◀ الگوی بیرونی: به گفته افراد مورد مصاحبه، آشنایی، ارتباط، و مشاهده افراد دارای کسب‌وکار موفق، افراد ثروتمند، و افراد با سطح رفاهی بالاتر باعث شکل‌گیری انگیزه برای برون‌رفت از وضعیت موجود می‌شود. این افراد، به‌عنوان یک الگوی بیرونی عمل کرده و فرد را به شکل‌گیری قصد کارآفرینانه ترغیب می‌کنند: «مدیر آموز شگاهی که در آن تدریس می‌کردم همیشه خوش‌پوش بود، بوی ادوکلن می‌داد، کارش گرفته بود و درآمدش زیاد بود. می‌خواستم مثل او باشم».

◀ ناسازگاری با فرهنگ غالب: افرادی که فرهنگ غالب در جوامع فقیر را نامناسب می‌بینند و شیوه‌های زندگی در این جوامع را نمی‌پسندند، با احتمال بیشتری قصد کارآفرینانه را از خود بروز می‌دهند: «زندگی در آن‌جا برایم سخت شده بود، هرروز دعوا، کتک‌کاری، فحش. بیشتر دوستان قدیمی دوران مدرسه‌ام یا معتاد شده بودند یا موادفروش. می‌خواستم از آن‌جا دور شوم».

◀ نقش در خانواده: افرادی که در خانواده مسئولیتی برعهده دارند و می‌بایست در جهت تأمین مالی نیازهای خانواده تلاش کنند، مستعد بروز قصد کارآفرینانه هستند: «پدرم که بی‌خیال بود. برادرها هم هرکدام به یک‌گوشه از ایران فرار کرده بودند. من بودم و دو خواهرم. فقط من را داشتند [...] باید برایشان کاری می‌کردم».

◀ تکانه‌ها: رویدادهای حیاتی مانند مرگ و تولد، ازدواج و طلاق و نیز رویدادهای اقتصادی، اجتماعی، و سلامت می‌توانند فرد را در معرض مشکلات، چالش‌ها، و یا فرصت‌های جدید قرار دهند و احتمال بروز قصد کارآفرینانه آن‌ها افزایش می‌یابد: «بعد از آن اتفاق [سقوط از داربست] به این فکر کردم که تا کی قرار است کارگری کنم. اگر باز هم سقوط کنم و این بار کمرم خرد شود، چه کسی نان و آب فرزندانم را خواهد داد».

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان داد که افراد فقیر در هنگام شکل‌گیری قصد کارآفرینانه بر مبنای دسته‌ای از ابعاد عمل می‌کنند که به نظر می‌رسد مواردی از آن‌ها صرفاً مختص جوامع فقیر هستند. از میان مقوله‌های مربوط به عوامل تحولی، مواردی مانند تقدس ثروت، اعتقاد به سرنوشت، اعتقاد به حمایت ماورایی، اعتقاد به شانس، ترس از آینده، ناسازگاری با فرهنگ غالب، و تکانه‌ها تاکنون توسط دیگر مدل‌های قصد مورد بحث قرار نگرفته‌اند، و می‌توان آن‌ها را به‌عنوان عواملی مختص شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر معرفی کرد. از طرف دیگر، بعضی از عوامل شناسایی شده در این تحقیق، پیش از این به شکل موردی در مطالعه‌های قبلی گزارش شده‌اند. به‌طور مثال، مطالعه‌ی چن و همکاران نشان دادند که افراد فقیر، و سپس افراد ناخشنود از موقعیت خود، به‌احتمال بیشتری قصد راه‌اندازی کسب‌وکار دارند (Chen et

(al., 2014). در مطالعه ما نیز مشخص شد که نارضایتی از فرهنگ غالب می تواند در شکل گیری قصد کارآفرینانه اثرگذار باشد. در مطالعه مرادی و همکاران (1394) محققان وجود ارتباط میان سرمایه اجتماعی و قصد کارآفرینانه را گزارش کردند. در مطالعه ما نیز، اگرچه یافته ها به طور مستقیم، به سرمایه اجتماعی اشاره ای نداشتند، اما مقوله هایی مانند حمایت خانوادگی، حامی بیرونی، و وجود الگوی بیرونی را می توان به عنوان مصداق هایی از سرمایه اجتماعی در نظر گرفت که بر شکل گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر اثر گذارند.

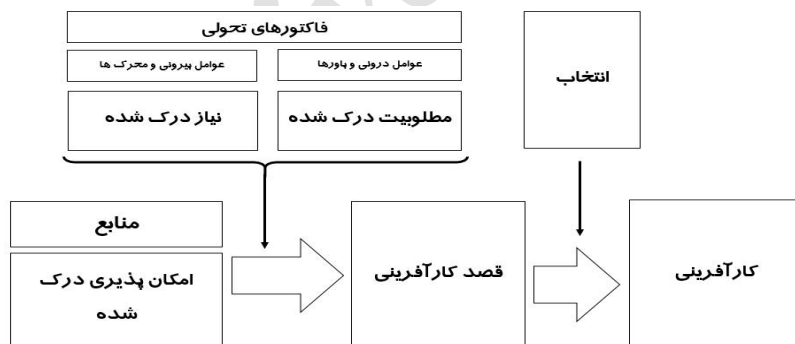
جدول 3. مقوله های مرتبط با عوامل تحولی بیرونی، نمونه کدهای استخراج شده

| مقوله فراگیر | نمونه کد |
|-------------------------|--|
| مضیقه مالی | فشار مالی در تامین مایحتاج اولیه زندگی |
| | مضیقه مالی در کسب رفاه نسبی |
| | مضیقه مالی در تامین مالی نیازهای خانواده |
| فقدان فرصت شغلی | کمبود فرصت های شغلی در جامعه |
| | نبود فرصت شغلی مناسب برای افراد کم سواد و بی سواد |
| | محدودیت های شغلی برای زنان |
| اخراج از کار | اخراج از کار به دلیل درخواست حقوق بیشتر |
| | اخراج از کار به دلیل انحلال کسب و کار |
| | اخراج از کار به واسطه درگیری با کارفرما |
| ترس از آینده | ترس از آینده مالی و حقوقی خود |
| | ترس از مخاطره های پیش رو برای تامین نیازهای آتی فرزندان |
| | ترس از افزایش مخارج زندگی و ثابت ماندن دستمزد |
| الگوی بیرونی | مشاهده و ارتباط با افراد صاحب کسب و کار |
| | ارتباط با ثروتمندان و افراد با سطح رفاه بالا |
| | ناسازگاری با شرایط حاکم بر زندگی افراد فقیر |
| ناسازگاری با فرهنگ غالب | ناسازگاری با شیوه زندگی موجود مانند خوراک یا مسکن |
| | عدم تحمل مشکلات اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه |
| | مسئولیت نگهداری از دیگر اعضای خانواده |
| نقش در خانواده | تاهل و مسئولیت تامین مالی همسر و فرزندان |
| | مسئولیت نگهداری از بیمار یا معلول در خانواده |
| | رویدادهای فامیلی مانند ازدواج، طلاق، تولد فرزند |
| تکانه ها | مواجهه با تکانه های اقتصادی بزرگ مانند تورم، جنگ |
| | مهاجرت، اخراج از خانواده، دوری اجباری از آشنایان و خانواده |

براساس مطالعه دهالان و همکاران، نگرش مثبت نسبت به پول و کسب و کار، قصد کارآفرینی را تحت تأثیر قرار دادند (Dahalan et al., 2015). به شکلی مشابه نتایج این مطالعه نیز نشان داد که ثروت جویی و تقدس ثروت و نیز میل به استقلال کاری عامل بروز و

شکل‌گیری قصد کارآفرینانه بودند. طبق مطالعه شوک و براتیانو، خود کارآمدی و مطلوبیت درک شده به شکلی مثبت با قصد کارآفرینی رابطه داشتند (Shook & Bratianu, 2010) که این موارد نیز هم‌راستا با نتایج مطالعه کنونی است. هم‌راستا با مطالعه ما، تأثیر مثبت حمایت خانواده بر شکل‌گیری قصد کسب‌وکار در مطالعه کوشکی و همکاران (1391) و نیز در مطالعه کریمی و همکاران (1391) گزارش شده است. مطالعه آراستی (1385) نیز نشان می‌دهد که نگرش موافق اطرافیان می‌تواند به شکل معنادار در شکل‌گیری کسب‌وکارهای کارآفرینانه اثرگذار باشد.

مروری بر مدل‌های موجود قصد کارآفرینانه نشان‌دهنده وجود اشتراکاتی در بین این مدل‌هاست. با در نظر گرفتن مفاهیم طرح‌شده در مدل‌های شناخته‌شده قصد، می‌توان مدل به‌دست آمده از این مطالعه را در سنتزی مجدد به شکل زیر نشان داد (شکل 3). آنچه مدل به‌دست آمده از این مطالعه را متمایز از مدل‌های موجود می‌کند، تفکیک منابع و عوامل تحولی شکل‌دهنده قصد کارآفرینانه است که این نوع تفکیک در اغلب مدل‌های موجود نادیده گرفته شده است.



شکل 3. ترکیب مفاهیم شناخته‌شده در مدل‌های قصد با مدل قصد به‌دست آمده بر مبنای رویکرد قابلیت‌ها

مدل به‌دست آمده در این مطالعه نشان می‌دهد که وجود منابع یک پیش‌نیاز ضروری برای شکل‌گیری قصد کارآفرینی است، اما در دسترس بودن منابع به‌خودی‌خود منجر به شکل‌گیری قصد کارآفرینانه نمی‌شوند، بلکه آن‌ها تنها امکان‌پذیری یک فعالیت را نشان می‌دهند.

امکان‌پذیری درک شده توسط افراد فقیر تحت تأثیر نیازهای درک شده از یک طرف و مطلوبیت درک شده از طرف دیگر قرار دارد. به عبارت دیگر، افراد فقیر زمانی می‌توانند قصد کارآفرینانه را از خود بروز دهند که نه تنها نیازهای خود را درک کرده و به آن واقف شده باشند بلکه به مطلوبیت فعالیت کارآفرینانه، به عنوان راه‌حلی برای پاسخ‌گویی به آن نیاز، پی ببرند.

پیشنهادها

با در نظر گرفتن نتایج این مطالعه، توصیه می‌شود مدل ارائه‌شده در این مطالعه به عنوان مبنایی برای بررسی، شناسایی، و تحلیل ابعاد قصد کارآفرینانه در جوامع فقیر مورد استفاده قرار گیرد. با این وجود، به منظور آزمون نتایج این مطالعه، لازم است که مدل ارائه‌شده در جوامع فقیر مورد سنجش قرار گرفته و با تعیین میزان اثر هر یک از عوامل، به منظور اصلاح و بهبود آن تلاش کرد. از آن‌جا که این مطالعه بر روی افرادی انجام شد که سابقه شکل‌گیری قصد در شرایط فقر را داشتند، امکان دارد در هنگام مصاحبه‌ها خطای یادآوری¹ رخ داده باشد. به منظور اجتناب از این خطا، توصیه می‌شود مطالعه‌های آتی بر روی افرادی انجام شود که در زمان مطالعه قصد کارآفرینی دارند. هم‌چنین، توصیه می‌شود که بر مبنای مدل ارائه‌شده، پرسشنامه‌هایی برای سنجش قصد در افراد فقیر طراحی شده و روایی و پایایی آن‌ها مورد سنجش قرار گیرد تا به عنوان ابزاری استاندارد برای سنجش ابعاد شکل‌گیری قصد کارآفرینانه در افراد فقیر توسط دیگر محققان به کار گرفته شود. در نهایت، پیشنهاد می‌شود با در نظر گرفتن ابعاد اختصاصی شکل‌دهنده قصد در افراد فقیر (مانند تقدس ثروت، اعتقاد به سرنوشت، اعتقاد به حمایت ماورایی، اعتقاد به شانس، ترس از آینده، ناسازگاری با فرهنگ غالب)، مداخله‌هایی طراحی شده تا از آن طریق به تقویت قصد کارآفرینانه در این گروه کمک شود.

منابع

- آراستی، زهرا (1385). زنان کارآفرین ایرانی، ساختارهای فرهنگی - اجتماعی مؤثر در ایجاد کسب و کارهای کارآفرینانه. زن در توسعه و سیاست، 14(4): 93-120.
- اکبری، مرتضی، شکیب، حجت، و زهتابی، منا. (1391). رابطه باورهای مذهبی و تمایل به کارآفرینی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشکده‌های کارآفرینی و کشاورزی). توسعه کارآفرینی، 5(4): 87-105.
- رحمانیان کوشککی، مهدی، چیزری، محمد، و هواسی، علی (1391). بررسی عوامل اثرگذار بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی دانشگاه آزاد ایلام. توسعه کارآفرینی، 5(1): 125-144.
- کردناجیح، اسدالله، شاه‌طهماسبی، اسماعیل، و کریمی، محمد (1393). بررسی تأثیر مؤلفه‌های زمینه‌ای بر قصد کارآفرینانه در دانشجویان کشور، با تأکید بر قومیت دانشجویان، توسعه کارآفرینی، 7(3): 509-528.
- کریمی، سعید (1394). بررسی آثار مستقیم، غیرمستقیم و تعدیلی محیط نهادی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی. توسعه کارآفرینی، 8(2): 371-390.
- کریمی، سعید؛ بیمنز، هارم؛ چیدری، محمد و مولدر، مارتین (1391). بررسی تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی. توسعه کارآفرینی، 5(3): 105-124.
- مرادی، محمدعلی؛ زالی، محمدرضا و پرنیان، راضیه (1394). تأثیر سرمایه اجتماعی بر قصد کارآفرینانه (مطالعه موردی: دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه تهران). توسعه کارآفرینی، 8(1): 1-19.
- Ajzen, Icek. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational behavior and human decision processes*, 50(2), 179-211.
- Alvarez, Sharon A, & Barney, Jay B. (2014). Entrepreneurial opportunities and poverty alleviation. *Entrepreneurship theory and practice*, 38(1), 159-184.
- Chen, Shouming, Shen, Yuliang, Naznin, Papiya, Wang, Hui, & Wu, Sibin. (2014). Types of poverty and entrepreneurial intention in Bangladesh. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 42(5), 857-867.
- Choo, Stephen, & Wong, Melvin. (2006). Entrepreneurial intention: Triggers and barriers to new venture creations in Singapore. *Singapore Management Review*, 28(2), 47-64.

- Dahalan, Norziani, Jaafar, Mastura, & Rosdi, Siti Asma'Mohd. (2015). Attitude and Entrepreneurial Intention Among Rural Community: the Mediating Role of Entrepreneurial Opportunity Recognition. Paper presented at the SHS Web of Conferences.
- Davidsson, Per. (1995). Determinants of entrepreneurial intentions.
- Elfving, Jennie, Brännback, Malin, & Carsrud, Alan. (2009). Toward a contextual model of entrepreneurial intentions Understanding the entrepreneurial mind (pp. 23-33): Springer.
- Gries, Thomas, & Naudé, Wim. (2011). Entrepreneurship and human development: A capability approach. *Journal of Public Economics*, 95(3), 216-224.
- Grondona, Mariano. (2000). A cultural typology of economic development (Vol. 47): New York: Basic Books.
- Guba, Egon G, & Lincoln, Yvonna S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. *Handbook of qualitative research*, 2(163-194), 105.
- Hattab, Hala W. (2014). Impact of Entrepreneurship Education on Entrepreneurial Intentions of University Students in Egypt. *Journal of Entrepreneurship*, 23(1), 1-18.
- Hindle, Kevin, Klyver, Kim, & Jennings, Daniel F. (2009). An "informed" intent model: Incorporating human capital, social capital, and gender variables into the theoretical model of entrepreneurial intentions Understanding the entrepreneurial mind (pp. 35-50): Springer.
- Hoselitz, B. F. (1952). Entrepreneurship and economic growth. *American Journal of Economics and Sociology*, 12(1), 97-111.
- Lewis, Oscar. (1971). The culture of poverty. *Poor Americans: How the white poor live*, 20-26.
- Mani, Anandi, Mullainathan, Sendhil, Shafir, Eldar, & Zhao, Jiaying. (2013). Poverty impedes cognitive function. *science*, 341(6149), 976-980.
- Oorschot, Wim van, & Halman, Loek. (2000). Blame or fate, individual or social? *European Societies*, 2(1), 1-28.
- Robinson, Peter B, Stimpson, David V, Huefner, Jonathan C, & Hunt, H Keith. (1991). An attitude approach to the prediction of entrepreneurship. *Entrepreneurship theory and practice*, 15(4), 13-31.
- Sen, Amartya. (1993). *Capability and well-being: M.C. Nussbaum and Amartya sen, the quality of life*, Oxford university press.
- Sen, Amartya. (1999). *Commodities and capabilities*. OUP Catalogue.
- Shapiro, Albert, & Sokol, Lisa. (1982). The social dimensions of entrepreneurship. *Encyclopedia of entrepreneurship*, 72-90.
- Shook, Christopher L, & Bratianu, Constantin. (2010). Entrepreneurial intent in a transitional economy: an application of the theory of planned behavior to Romanian students. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 6(3), 231-247.
- Townsend, Peter. (1985). A Sociological Approach to the Measurement of Poverty--A Rejoinder to Professor Amartya Sen. *Oxford Economic Papers*, 659-668.
- Waxman, Chaim I. (1977). *The Stigma of Poverty; A Critique of Poverty Theories and Policies*, pergamon press.